

آموزش و پرورش
کانون اساسی برای خلق
دنیا آینده است



بسپج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد

معلم تمدن ساز نوین اسلامی

در این شماره میخوانید



سخن سردبیر

و پروردگار کریم ترین است، همان که با قلم به انسان آنچه را که می دانست آموخت.

از کرامات معلم همین بس که رهرو راه حق است و روشنی بخش ظلمات زندگانی. قلم قاصر است ما می نویسم چرا که دین بر گردن زایل نمی گردد مگر با آدا.

همه در وصف معلم می گویند و من از مصائب این راه که کم نیست و باری به سنگینی دماوند بر دوش می اندازد همانطور که می گویند اشتباه پزشک زیر خاک دفن می شود، اشتباه مهندس روی خاک سقوط می کند، اما اشتباه یک معلم روی خاک راه می رود و جهانی را به فنا می دهد.

ما برای سازش آمده ایم و معلمی رسالتی است برای ساختن انسان، انسانی عادل و صالح که عرصه جهان بر دیگر مردم تنگ ندارد و آخرت را برای خویش و ممنوع شکوفا کند.

باشد که در این مسئولیت خطیر که به گردن داریم سازنده باشیم نه بازنده.

فاطمه ظفری



سخنان مقام معظم رهبری در مورد شغل معلمی



معلمان چه قدر عزیزند! این شغل معلمی چهقدر ارزشمند است! این مرتبه ی تعلیم چه قدر والا و بلند است، که همه ی انسان های فرزانه، انسان های بزرگ و برجسته، هر جایی که باشند، خود را پرورده ی دست معلم می دانند و سایه ی معلم را بر سر خودشان حس می کنند!

کاری که معلم بر عهده گرفته — معلم متعهد — به نظر من مهم ترین کار در کشور است؛ یعنی تربیت و تعلیم نونهالان کشور، یعنی ساختن آینده ی کشور. معلم در واقع معمار آینده ی کشور است. امروز شما دارید فردای کشور را میسازید. اگر بتوانید انسان آگاه، عالم، اهل فکر کردن، متفکر، اهل منطق، بالیمان، بااراده، متشرع، پایبند به اخلاق اسلامی، پایبند به تعهدات ملی تربیت کنید، بزرگ ترین خدمت به کشور انجام گرفته؛ یعنی واقعا هیچ خدمت دیگری قابل مقایسه ی با این نیست. این قضیه ی تربیت نوجوانان ما، با توجه به هوش نوجوان ایرانی، ضریب پیدا میکند و اهمیت مضاعف پیدا میکند. اگر ما با یک جامعه ی جوان و نوجوان متوسط از لحاظ ذهنی مواجه بودیم، یک جور بود؛ حالا که با یک قشر جوان هوشمند مواجهیم که از متوسط هوش جهانی بالاترند، قضیه جور دیگر است. این ثروت عظیمی است. اگر ما این موجود باارزش، یعنی این جوان هوشمند را — که هوشمندی خودش را در المپیادها، در مسابقات جهانی، در همه چیز ثابت کرده — تربیت نکنیم و به جایگاه شایسته نرسانیم، واقعا جفا شده؛ این جواهر قیمتی ای است، این را باید خوب ساخت.

ما از معلم توقع داریم احساس مسئولیت کند و این توقع، توقع به جایی است؛ اما در مقابل، در قبال معلم هم باید احساس مسئولیت بشود. باید انصاف را رعایت کرد؛ وقتی نظام از جامعه ی معلمی توقعی دارد، باید در قبال این جامعه احساس مسئولیت هم بکند. این احساس مسئولیت [هم] در همه ی ابعاد است؛ فقط مسئله ی معیشت نیست، البته مسئله ی معیشت خیلی مهم است، اما فقط مسئله ی معیشت نیست، مسئله ی تجربه آموزی است، مسئله ی مهارت آموزی است.

معظم انقلاب اسلامی نکات کلیدی و راهبردی در حوزه نظام تربیت و آموزش و پرورش را بیان می فرمایند: دانش آموز باید به ایرانی بودن خود افتخار کند که افتخار هم دارد. به همه و به خصوص به معلمین توصیه می کنم دست نوشته ها و سخنرانی های شهید مطهری را بخوانند.

فرزندان ملت را جامعه معلمین تربیت می کنند و آنها را برای آینده روشنی آماده می کنند؛ معلم در واقع معمار آینده کشور است. امروز شما دارید فردای کشور را می سازید. ما از معلم توقع داریم احساس مسئولیت کند. این توقع، توقع بجایی است اما در مقابل، در قبال معلم هم باید احساس مسئولیت بشود.

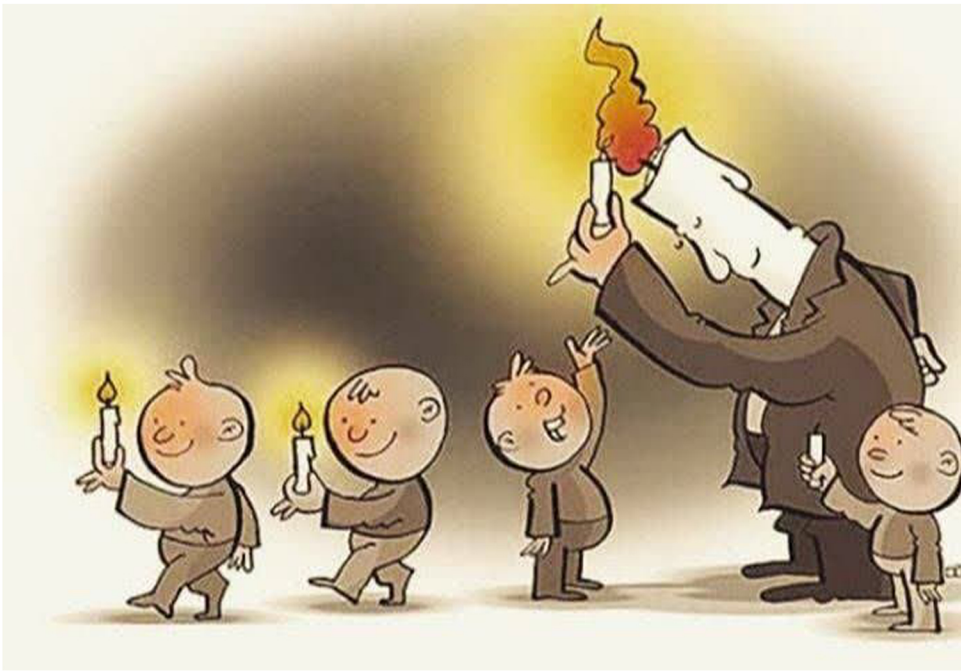
الهه باشی ورشوساز



قدیمتر ها معلم جایگاه داشت
صدا میکرد کسی را پای تخته!
معلم تا صدا میکرد که گچ کو
امان از این سه چند سال کذایی
زبان دانش آموز هم که هفت متر
معلم گر تکان داد چشم و ابرو
نصیحت گر کند یک دانش آموز
گذشته کارش هر دم تربیت بود
گذشته یا که اکنون فرق ندارد

دل هر قشر بر او گویی وفا داشت
نوای او حکایت از قُوا داشت
دم دستش علی و مجتبی داشت
فتاده بین ما و نسل نو اندک جدایی
چقدر باشند معلم ها فدایی
دم دفتر نشسته اولیایی
به گوشش خوانده انگار او لالایی
ولی اکنون ندارد او صدایی
گناه دارند معلم ها خدایی

محبت مرادزاده



در کلاس درس، جایی که دانش می روید، معلمی با قلبی بزرگ ایستاده است. او که با تخته و گچ، افسانه ها می سازد، و با هر کلمه ای، جهانی را نو می نگارد. معلمی که مثل چراغی در شب تار است، راهنمایی برای ذهن های جویای نور. او که صبر و شکیبایی را به ما می آموزد، و با عشق، دانش را در دل ها می کارد. با هر درس، با هر سوال، معلمی دانایی را به ما هدیه می دهد. و ما، شاگردانی که به دنبال فردایی روشنیم،

به یاد می آوریم که هر چیزی با یک قدم آغاز می شود. معلم، تو که مشعل دانایی را برافروخته ای،

در قلب های ما جاودانه خواهی ماند. برای همه ی زحماتت، برای همه ی عشقت، صدای سپاس ما را بشنو، همچون نغمه ای در باد.

معلم، تو که نور هدایت را پراکنده ای، در دل شب های تاریک، چون ستاره ای درخشان. با هر مثال، با هر تمرین، درس های زندگی را به ما می آموزی، بی دریغ و فراوان.

تو که با علم خود، افق ها را گسترده ای، و به ما آموخته ای که به بلندای آسمان ها بیندیشیم.

معلم، تو که مسیر موفقیت را نشان داده ای، با تو، جهانی نو، هر روز، در پیش روی ماست. با تشکر از تو، که با صدای مهربانت، دانش را به زبان شیرین، به گوش جان می رسانی.

معلم، تو که سازنده ی فردایی بهتری، برای تو، دست هایمان را به احترام، به هم می فشاریم.

مهرنوش قربانی

زندگینامه شهید مطهری



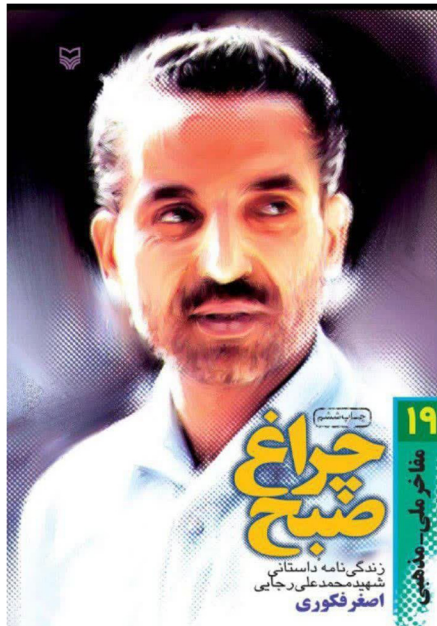
دوران تاریکی بود اما روزی که او به دنیا آمد روشن شد، جهان می دانست که او قرار است روزی جز بزرگ ترین مردان تاریخ بشود. در اواسط زمستان به دنیا آمد و با خودش نوید بهار را آورد درست در ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ در فریمان به دنیا آمد. نامش را مرتضی گذاشتند. نامش از نام امیرالمومنین وام گرفته شده بود، خشنود و برگزیده. واقعا هم برگزیده بود.

مرتضی ابتدا به حوزه علمیه مشهد و سپس به قم رفت. هوش و ذکاوت او قابل تحسین بود چون توانسته بود در مقابل استادان بزرگ زمان شاگردی کند و سر بلند بیرون بیاید. اما آن روزها فهمیدن، جرم و فهماندن، جرمی بالاتر بود. پس در سال ۱۳۴۲ به دلیل فعالیت هایی که آن روز قدغن بود به زندان رفت، اما رنج زندان هم او را از پا در نیاورد. پس از تبعید امام مسئولیت او و یارانش بیشتر شد و تا اینکه ثمره تلاش های خود و دیگران نتیجه داد و نهال انقلاب را کاشتند. تازه اول راه بود و داشت ثمره کارهایش را میدید اما چیز بهتری نصیبش شد طعم شیرین شهادت، در ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۵۸ به شهادت رسید. و برای همیشه در تقویم ملی نام معلم قرین شد و روز شهادتش را با یک روز تاخیر روز معلم نامیدند شاید بهترین روز را برای بزرگداشت معلم انتخاب کردند. شهید مرتضی مطهری که همواره در پی اصلاح جامعه بود و با قلم زیبایش خیلی ها را به خود جذب کرده بود و درس عشق به آنها داد امروز نماد معلم نمونه است. در زمستان به زمین آمد و در بهار به آسمان پرگشود.

حانیه مزرعه فراهانی



معرفی کتاب



سید هادی زیاده در آنجا نماند. محمدعلی او را تا وقتی که به سرعت در پیچ کوچه گم شد، نگاه کرد و بوی یاس های سفید را که سرتاسر کوچه را گرفته بودند، با لذت بلعید. زیر لب گفت: «۸ اردیبهشت، بخشی از بهشت خداست.» بعد جعبه انگور را روی دوش گذاشت و به طرف ماشین هایی راه افتاد که به سمت قزوین می رفتند. باید قبل از ساعت هشت، اعلامیه ها را به ابراهیم می رساند.

صف طولانی بود. همه در انتظار اتوبوس بودند. مردم خسته بودند. بعضی از آن ها خمیازه می کشیدند و معلوم بود که اگر پایشان به داخل اتوبوس برسد، خوابشان خواهد برد.

انگورها نرسیده بودند. آن قدر که هوس ناخنک زدن را به ظن کسی نیاورند. اعلامیه ها به طور دقیق، در برگ مو پیچیده شده و زیر انگورها قرار داشتند. سرانجام اتوبوس از راه رسید. محمدعلی سوار شد و بی توجه، جعبه انگور را هم به دنبال خودش کشید. وقتی در صندوقش جا می گرفت، چشم هایش را بست، بی آنکه بداند دو چشم کنجکاو، از آینه نگاهش می کنند.

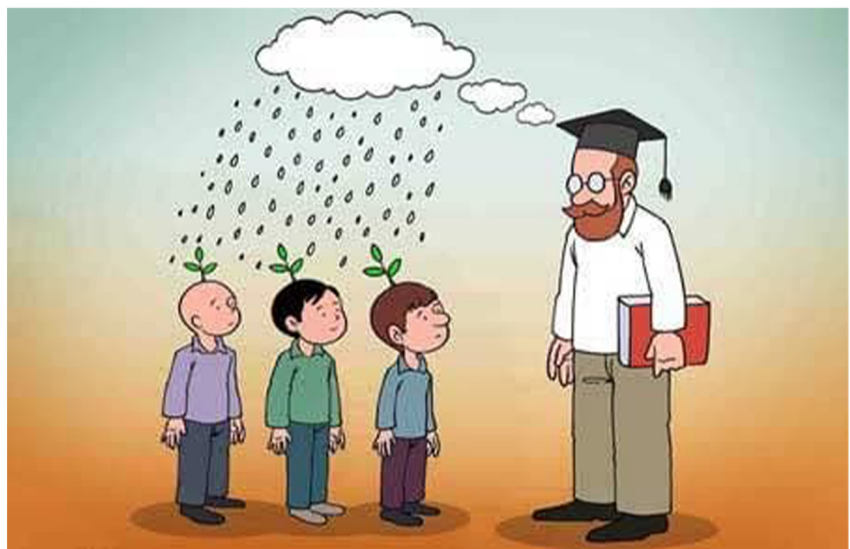
آفتاب بهاری، گرمای لذت بخشی داشت. محمدعلی مدتی خوابید و بعد چشم که باز کرد، به ناگهان متوجه شد که راننده از توی آینه او را می پاید. بی آنکه چیزی به رو بیاورد، لحظه ای جعبه را نگاه کرد و بعد باز به پشت سر راننده چشم دوخت. راننده، موهای مجعد داشت و صورت تراشیده اش برق می زد. احساس بدی پیدا کرده بود محمدعلی. نگاه راننده اذیتش می کرد....

هیجان و شور این کتاب تنها به این بخش محدود نمی شود و کتاب با ماجراهای شگفت انگیزی همراه است.

خواندن این کتاب لذتی است که معلمان باید آن را تجربه کنند و درس های زندگی مطرح شده در آن را به خاطر بسپارند.



اگه من معلم بودم...



بنام خداوند هستی بخش که اولین معلم جهان است...

معلم را با حروفش باید صرف کرد: میم، عین، لام و مجدد میم.

کلمه معلّم با حرف میم آغاز می شود؛ میم اول آن به معنای محبوبیت است یعنی او باید بین دانش آموزان محبوبیت داشت باشد. رفتار و کردار معلم باید طوری باشد که بین معلم و دانش آموزان دوستی و الفت ایجاد شود.

حرف دوم آن عین است عین معلم به معنای عالم بودن اوست معلم باید علم داشته باشد و به مسایل آگاه باشد.

حرف سوم واژه معلم لام است حرف لام به معنای لبخند و شادی است.

شاید تشدید داشتن لام به معنای شدت شادی و گشاده روی اوست و او با لبخند خود شادی را برای دانش آموزان هدیه می کند.

آخرین حرف آن نیز میم است میم آخر آن به معنای مهربانی است. پس میم اول محبوبیت و عین آن علم معلم و لام مشدد آن لبخند و لام آخر آن لطف و مهربانی است.

انتظارات دانش آموزان از معلمانشان به زبان خودشان؛

۱) من اگر معلم بودم آن شغل را بخاطر حقوقش انتخاب نمی کردم بخاطر اینکه نمی تواند موفق شود یعنی اگر کسی این کار را بکند نمی تواند بعدا رضایت دانش آموزان خود را بخوبی جلب کند.

۲) من اگر معلم بودم، سعی می کردم با دانش آموزانم طوری رفتار کنم که مرا الگوی خود قرار دهند و سعی می کردم، هیچ مردودی را در کلاس نداشته باشم، و کسی از نظر درسی ضعیف نباشد.

۳) من اگر معلم بودم طوری دقیق و مفهومی درس می دادم که هیچ سوالی پیش پا افتاده ای در ذهن دانش آموزان باقی نماند. بخصوص درس های مفهومی مانند، ریاضی، فیزیک، شیمی و زیست شناسی که مهمترین درس ها هستند.

۴) من اگر معلم بودم بیشتر به اخلاق دانش آموز اهمیت می دادم تا به درس آن، چون اگر اخلاق دانش آموزی خوب باشد می تواند درسش را هم بهتر کند و خودش را به رتبه های بالا برساند. من اگر معلم بودم اگر دانش آموز ده سوال مهم از من بپرسد ناراحت نمی شدم امروزه بعضی از دبیران اینطور نیستند. اگر هم آن سوال راحت بود باید جواب بدهند چون آن سوال به نظر خودشان راحت است.

۵) من اگر معلم بودم دانش آموزان را به بازدید از محلی می بردم مثلا به آزمایشگاه درس های مختلف. با این کار دانش آموزان بهتر می توانند درس خود را یاد بگیرند تا آن ها هم کارشان را با جدیت تمام آغاز کنند.

۶) من هم چندسال دیگر فارغ تحصیل میشوم و به عنوان معلم بر سر کلاس های درس می روم

منم مانند همین دانش اموزان ان زمان از معلم انتظاراتی داشته ام و دوست داشتم که معلم چگونه رفتار کند...

ب عنوان یک دانشجو معلم انتظارات دوران دانش اموزیت را بخاطر داری؟ کدام را همچنان هم میخواهی؟ از خودت روی کلاس چه انتظاراتی داری؟

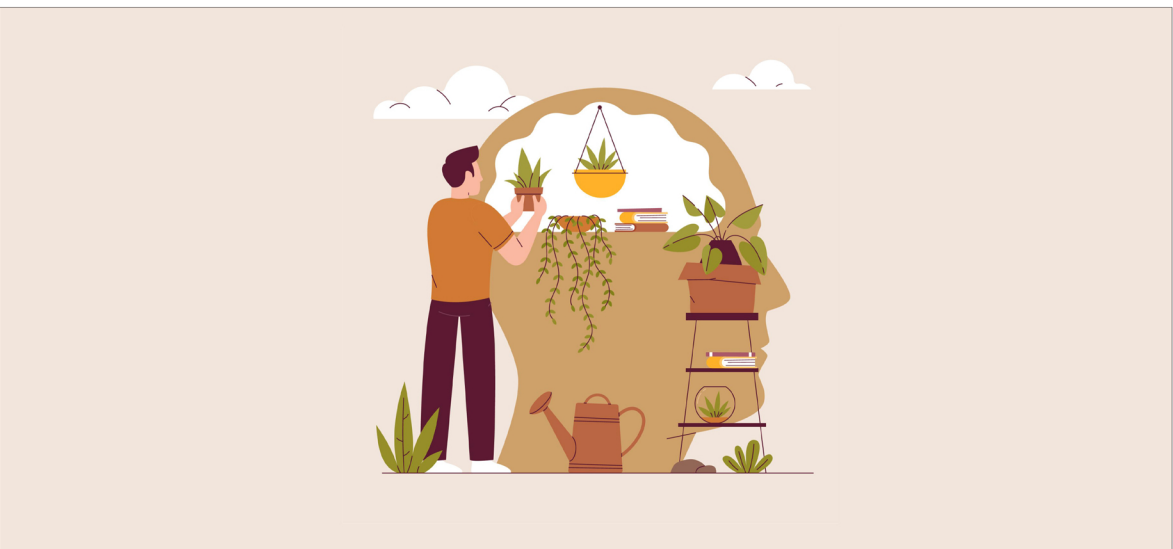
گزینه آخر با تو؛

۶) هم اکنون من معلم و می خواهم

(خوب فکر کن)

زهره سادات تقوی پور

شعر



می کنم بر هر چه دارم، من قناعت، اکتفا

عشق من نسبت به شغلم وافر و بی انقضا

اجتماعی، با همه اقشارِ عالم آشنا

بی تکلف، با صداقت خالی از هر ادعا

جانتان باشد سلامت، روحتان هم بی بلا

کوثر مهری بابادی

عاشقم بر آنچه هستم، یک معلم، ره‌نما

عاشقانه، بی بهانه، می روم من در کلاس

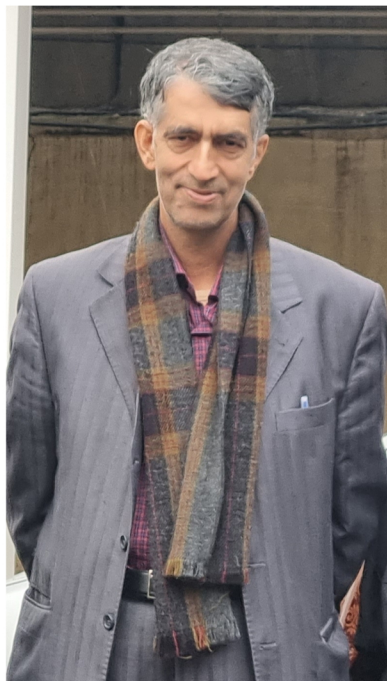
من معلم گشته ام، درگیر توزیع خرد

پیشه ی ما ریشه اش خوبی و عاشق بودن است

در نهایت خنده مهمانِ دل و لب هایتان



مصاحبه با استاد



سلام عرض می‌کنم خدمت شما استاد عزیز، البته که شما انتخاب دانشجویان برای مصاحبه بودید با این حال لطفا خودتون رو برای خوانندگان معرفی کنید.

ضمن عرض سلام خدمت دوستان خوب من **علی محمد حاجی نژاد** هستم متولد ۱۳۴۱ در خرم آباد تا دوران کارشناسی و کاردانی در خرم آباد تحصیل کردم و کارشناسی ارشد در تهران. به دلایلی نشد ادامه تحصیل بدم و ماندم که ماندم.

من زمانی معلم شدم که شغل‌های زیادی وجود داشت و مدرک کم بود

من با رغبت و عشق این شغل را انتخاب کردم چون احساس کردم در این زمینه می‌توانم مثر ثمر باشم و الان سال آخر خدمتم و از نظر من رضایتمندی از شغل شرط اوله.

نظرتون در مورد شغل معلمی چیه ؟

پیامبر (ص) می‌فرماید: یا علی اگر یکی را هدایت کنی بر آنچه که آفتاب بر آن بتابد ارزشش بیشتر است. این شوخی نیست خیلی‌ها به معلمی بها نمیدن اما در واقع انسان سازه، بزرگی می‌گفت: «معلم مثل سوزن‌بان قطار است علی الظاهر کارش دور از ایستگاهه اما اگه دیر خطو عوض کنه قطار منهدم می‌شه». قطار انسانیت رو معلم می‌کشونه به همین خاطره که باب تعلیم و تربیت مقامش بسیار بالاست. به اعتقاد من برخی از مشاغل برای خانم‌ها شأنیت ندارند اما شغل معلمی هم به خاطر لطافت زن و هم به خاطر قدرت بیانش وهم قدرت تاثیرگذاری خانم‌ها پراشون عالیه. اما اگه کسی استعداد دیگری داره توی این شغل نمونه، ۳۰ ساله اگه حوصله تعلیم و تربیت نداری تا جوب تنگه بپر برو اما اگه واقعا علاقه داری بمون.

توصیه‌تون برای دانشجو معلمان توی دوران دانشجویی چیه؟

به تعبیر مرحوم شریعتی بخوان و بخوان و بخوان

بهترین معلم از نظر شما کیه؟

هر کسی که وظیفه‌اش رو انجام بده معلم خوبیه. من اعتقادی به معلم نمونه ندارم همه نمونه هستند، البته مراتب داریم بعضی‌ها قدرت انتقال بالاتری دارند و بعضیا پایین‌تر در کل معلم خوب از نظر من به صفت خوب داره هم خوب حرف بزنه و هم حرف خوب بزنه ، به تعبیری :

کم گوی و گزیده گوی چون در تا زان‌دک تو جهان شود پر
و مورد دیگه اینکه قرآن می‌فرماید: مَرَوْا بِاللَّغْوِ مَرَّوًا كِرَامًا، یعنی اگه دانش آموزی هم حرفی زد به دل نگیر و بگذر این نکته مهمیه.

جناب حافظ میگن:

منم که دیده نیالودم به بد دیدن منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن
طی چند سال خدمت و تجربه‌های زیادتون بهترین تجربیاتی که داشتین و دوست دارین بچه‌ها ازش استفاده کنند را بگین؟

من تجارب عجیبی داشتم همزمان در بهترین مدارس و بدترین مدارس خرم آباد تدریس کردم.اگه شما دلسوز دانش آموز باشین دانش آموز خودش می‌فهمه جوابتون را با بی‌احترامی نمیده، تو کار خودتو بکن بگو خدا ایشالا خیرشو میده و بچه‌ها خیرشو خدا بهتون برمی‌گردونه. شاعر میگه :کس نمی‌داند در این بحر عمیق، سنگریزه قرب دارد یا عقیق قدم خیر برای هم بردارید شر فراوونه، الان جای جای خیابون آشناهای من، این احساس داشتن خانواده گسترده که شاید در حرکت اون‌ها به سوی کمال نقش داشته باشی رو با هیچی نمی‌شه عوض کرد

سخن پایانی؟

ببینید بچه‌ها زندگی سخته ما سخت‌ترش نکنیم .سعی کنیم کنار معلمی مهارت‌های دیگه هم یاد بگیریم،اگه می‌خوای معلم خوبی باشی مطالعه کن و از فضای مجازی استفاده علمی کن.

امام علی(ع) می‌فرماید:فرصت‌ها مانند ابر می‌گذرنند. عمر کمیتش مهم نیست کیفیتش مهمه امیدوارم خدا عمری با کیفیت و کمیت بهتون بده و ما رو از دعای خیرتون محروم نکنید.

بهمصاحبه کننده: فاطمه ظفری

دغدغه



عشق به یک کار موجب موفقیت و به ثمر نشستن تلاش‌ها در آن زمینه میشود و معلم بودن از این دسته مشاغل به شمار می‌رود ، زیرا در این حرفه بیشتر از توانایی و مهارت نیاز به عشق و بردباری است .اما تنها دغدغه معلمان تدریس نیست .به غیر از مشکلات زندگی شخصی که درگیری ذهنی به وجود می‌آورند برخی دبیران هم هستند که به تربیت و پرورش دانش آموزان خو اهمیت بسزایی می‌دهند .قشر معلم با تمام توان بدون در نظر گرفتن دغدغه های مالی و جسمی در کلاس حاضر می‌شوند اما در هر صورت مسائل و مشکلات معیشتی گریبانگیر این قشر بر امر تعلیم و تربیت چندان هم بی تاثیر نیست.

یکی دیگر از دغدغه های معلمان فشردگی برنامه آموزشی و فقدان تناسب میان ساعت و حجم آموزش است که موجب شده است معلمان تنها هدف و رسالت خود را در کتاب مشخص شده تعریف کنند و نتوانند به ابعاد و توانایی های شخصی دانش آموزان آنطور که باید توجه شود.

از دیگر مشکلات معلمان اینکه ضریب فوق العاده شغل آنان همانند سایر کارکنان دولت نیست و گر زدن رتبه بندی معلمان با مشکلات معیشتی و اقتصادی معلمان نیز کاری غیر علمی و غیر کارشناسی است چرا که این طرح برای تعیین شایستگی های فنی و صلاحیت های شغلی قرار است اجرایی شود.

شاید از جمله خواسته های معلمان در راستای نظام آموزشی این باشد که خرد محوری و خلاقیت در راستای تحقق توسعه پایدار برای پیشرفت وطن و جمهوری اسلامی به دست جوانان سر لوحه قرار گیرد و معلم علاوه بر آموزش ، صلاحیت پرورش و سنجش را نیز داشته باشد در چهارچوب هایی زیرا آموزش بدون پرورش معنی ندارد.

و در نهایت کانون صنفی فرهنگیان در هر استان ایجاد شود به منظور خواسته های به حق فرهنگیان در زمینه های صنفی و آموزشی.

با جمع بندی تمام مشکلات و دغدغه ها در می یابیم که تمامی این موارد به صورت زنجیره ای به هم پیوسته است و اگر ارتباط منطقی بین آنها ایجاد شود بسیاری از مسائل رفع شده و دانش آموزان و معلمان در فضای امن و آرام تری می‌توانند در چرخه دانایی به پیش روند.

سانیا مرادی

شناسنامه



شناسنامه ویژه نامه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند

خرم آباد ، سال پنجم ، چاپ اردیبهشت ۱۴۰۳

قیمت : صلوات

صاحب امتیاز: نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند

خرم آباد

مدیر مسئول: حانیه فریاد رس

سردبیر: فاطمه ظفری

اعضای هیئت تحریریه: فرزانه نظری پور، مهسا عسگری، حانیه مزرعه فراهانی ،زهرا سادات

تقوی پور ، محبت مرادزاده ،کوثر مهری، سانیا مرادی ، الهه باشی ورشوساز ، تینا هداوند

، مهرنوش قربانی